یادداشت روز

دست خود را باز کنیم

نقش آمریکا، رژیم صهیونیستی، دولت عربستان، آلمان، فرانسه، انگلیس، بلژیک و بعضی دیگر از کشورها در اغتشاشات ایران کاملا واضح است و اسناد آن هم از جمله در بیانیه ششم آبان ماه جاری دو دستگاه ارشد اطلاعاتی کشور منتشر شده و - به جز دولت عربستان - خود این کشورها هم آن را تکذیب نکرده‌اند. این در حالی است که حمایت کشورها از اغتشاش در یک کشور، از آنجا که اولا امنیت فعالیت عادی و ثانیاً جان و مال مردم را تهدید می‌کند، غیرمتداول است و از پذیرش اخلاقی و سیاسی برخوردار نیست. در جریان انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا، مقامات واشنگتن، دولت‌های چین، روسیه و ایران را متهم کردند که در انتخابات این کشور ورود کرده‌اند و حال آنکه هیچ سندی برای آن وجود نداشت. چرا این ادعا مطرح شد؟ برای اینکه دخالت کشورهای خارجی در یک کشور برای تغییر روند سیاسی، واکنش منفی در مردم ایجاد می‌کند. اما در این صحنه رئیس‌جمهور آمریکا، نه در فضای سیاسی بلکه با حمایت از اغتشاشات و اقدامات جنایت‌کارانه، به فضای امنیتی ایران ورود کرده است و عجبا که وقتی او در تریبون عمومی می‌گوید: «ما ایران را آزاد می‌کنیم»، عده‌ای هنوز این موضوع را قابل تحمل ارزیابی می‌کنند!

یک عضو اتحادیه اروپا در ادعایی که مورد حمایت بقیه کشورهای عضو آن قرار گرفت، «اسدالله اسدی» دیپلمات ایرانی مستقر در وین پایتخت اتریش را در تیر ماه ۱۳۹۷ با استناد به گزارش موساد متهم کرد که در جریان سفر از تهران به وین، در ساک خود مواد منفجره حمل کرده و قصد داشته مرکز تجمع سازمان منافقین در پاریس را منفجر نماید. در حالی که شرکت هواپیمایی اتریش که در این سفر حامل وی بوده است، طی اعلامیه رسمی گفت در روز مورد ادعا، هیچ چمدانی بارگیری نشده و احتمال سوار شدن هیچکسی با مواد منفجره هم وجود نداشته است. این شرکت این ادعا را به دلیل ارائه جزئیات نادرست غیرقابل قبول دانسته است. در همان حال دادگاه «انتورپ» بلژیک با نادیده‌گرفتن مصونیت دیپلماتیک، وی را به ۲۰ سال زندان محکوم نمود.

در تیر ماه گذشته، ایران و بلژیک عهدنامه‌ای برای انتقال زندانیان بین دو کشور امضا کردند و پارلمان بلژیک سی‌ام تیرماه با ۷۹ رأی مثبت (و ۴۱ رأی منفی) این عهدنامه را تصویب کرد. در آستانه تصویب عهدنامه مورد اشاره میان ایران و بلژیک، اتحادیه اروپا شش ماه دیگر ثبت نام اسدی در لیست تروریسم را تمدید کرد و دو روز بعد، از تصویب عهدنامه مورد اشاره، دادگاهی در بروکسل پایتخت بلژیک، انتقال اسدالله اسدی را تا اطلاع ثانوی ممنوع نمود.

این برخورد اروپایی‌ها با یک دیپلمات ایرانی دارای مصونیت قضایی است که هیچ مدرک واقعی هم برای دست زدن به اقدامی که قوانین فرانسه، آلمان و بلژیک را نقض کرده باشد، وجود ندارد. کما اینکه برای اتحادیه اروپا هم روشن بود که گزارش سرویس جاسوسی اسرائیل - موساد - فاقد مدرک واقعی است، اما در همان حال با وقاحت، حمایت خود را از بازداشت دیپلمات ایرانی اعلام کرد و راه‌های آزادسازی وی را هم - به زعم خود - مسدود نمود!

یک بار دیگر مرور کنیم؛ اتحادیه اروپا و دولت‌های اروپایی از جمله بلژیک، تمام قد از سازمان تروریستی منافقین - که براساس اظهارات رسمی خودشان، هزاران نفر از مردم کوچه و بازار ایران را به شهادت رسانده است - حمایت کرده و موضوع نفر سوم سفارت ایران در بلژیک را به موضوع خود تبدیل نموده است! آیا حمایتی از این بیشتر و آشکارتر از تروریسم سراغ دارید؟! خب آنان در اقدام خصمانه مبتنی بر گزارش دروغ یک سازمان تروریستی - موساد - دیپلمات ایرانی را بازداشت کرده و به ۲۰ سال حبس محکوم کرده و حتی راه‌های رایج مبادله وی را هم بسته‌اند. ما باید چه کار می‌کردیم؟ این بماند.

در این طرف ماجرا، چندین کشور در همگرایی با آمریکا و رژیم صهیونیستی شامل آلمان، انگلیس، فرانسه و بلژیک، از یک سو سفارت‌خانه‌های خود را به محل اتصال، سازماندهی، مدیریت و پشتیبانی مالی عوامل اغتشاش در ایران تبدیل کرده‌اند و از سوی دیگر در کشورهای خود نیز مراکزی برای ملاقات، توجیه و آماده‌سازی اغتشاش‌گران و حتی گروه‌های مسلح محارب ضدایرانی اختصاص داده‌اند. آنان اقدامات خود را توجیه و ارتباط با گروه‌های آشوب‌طلب را انکار می‌کنند؛ اما در همان حال پشت تریبون‌های رسمی از عوامل اغتشاش و ترور در ایران - به نام ملت ایران! - حمایت می‌نمایند و ابله‌ترین‌شان هم می‌گوید «ما ایران را آزاد می‌کنیم».

اسناد منتشرشده می‌گویند در روزهای دوم تا پنجم خرداد ماه سال جاری در شهر اسلو پایتخت نروژ، کمپینی تحت عنوان «حمایت از حقوق زنان و اقلیت‌ها در ایران» برگزار شده است. ده روز پس از آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی در جریان سخنرانی سالگرد ارتحال حضرت امام، از برنامه‌ریزی دشمن برای به آشوب کشیدن ایران خبر داد. بعضی منابع اطلاعاتی، از برگزاری دوره‌های آموزش اغتشاش و مدیریت آن با حضور عناصر ایرانی - دارای نگرش‌های متفاوت و حتی متضاد - در کشورهای ترکیه، امارات، هلند، ارمنستان، گرجستان، مالزی،اندونزی، تایلند، جمهوری چک، آفریقای جنوبی، ایتالیا و جزیره سیشل خبر داده‌اند. این دوره‌ها تحت عناوین پوششی یا تحت عناوین آشکار برگزار شده است. بعضی از این عناوین وجود خارجی ندارند و بعضاً که وجود دارند، قابلیت برگزاری و تأمین هزینه چنین اقداماتی را ندارند؛ مثل بنیاد سیامک پورزند، بنیاد عبدالرحمن برومند، کانون مدافعان حقوق بشر (شیرین عبادی) ایمپکت ایران، ایرکس، اسمال‌مدیا، توانا‌تک، مؤسسه یلدا، اتحاد ایران برای عدالت برگزار شده‌اند. حدود شش ماه پیش از اغتشاشات اخیر ایران،اندیشکده آمریکایی «خاورمیانه»(Middle East Institute)، ۱۷ اسفند ۱۴۰۰ نوشت: «در شرایط کنونی ایران، جریانات مختلف سیاسی از سوسیالیست‌ها گرفته تا لیبرال‌ها و از سلطنت‌طلب‌ها تا جمهوری‌خواهان همگی با یکدیگر همکاری می‌کنند تا جایگزینی جدی برای جمهوری اسلامی ایجاد نمایند و زنان نقش اصلی را در این تلاش ایفا می‌نمایند.»

واضح‌تر از این بیان نمی‌شود که طرف مقابل شما بگوید من زلف مخالفان ایران از هر گروهی که باشند را به هم گره می‌زنم و آنان را به سمت یک هدف - که اصالتاً ایرانی نیست - یعنی حذف نظام سیاسی ایران سوق می‌دهم. بعد دولت‌های اروپایی در حالی که در مراجعات دیپلماتیک، هر گونه نقش خود را در اغتشاشات ایران انکار می‌کنند، در تریبون علنی از اغتشاش‌گران حمایت می‌نمایند! ما باید چه کار کنیم؟ بماند.

یک خبر دیگر می‌گوید در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۲۹، یک تیم سازمان جاسوسی آمریکا - CIA - در اربیل با «مصطفی هجری» دیدار کرده و خواستار وحدت دو شاخه کومله و ورود به اقدامات مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی شده است. سیا در تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ ملاقات دیگری در هتل «ایوان» اربیل با بهنام حسین یزدان‌پناه، سرکرده گروهک پاک داشته و ضمن ارزیابی میزان آسیب این گروهک از حمله موشکی ایران به موقعیت‌های استقراری این گروه، وی را به ادامه اقدامات تروریستی علیه ایران وادار کرده است.

یک بررسی ساده می‌گوید آشوب‌های کنونی در ایران یک طرح چندساله غرب با محوریت آمریکا است و عوامل اصلی میدانی آن ترکیبی از عناصر مسلح دارای سازمان قدیمی مثل منافقین، کومله، دموکرات، پاک، پژاک و سازمان‌های غیرمسلح ضدانقلاب ایرانی نظیر سلطنت‌طلب‌ها، سازمان‌های نوتأسیس شبکه‌ای و گروه‌های شرور قابل مدیریت می‌باشد.

از تیر ۱۳۹۷ که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، تمام‌قد در حمایت از منافقین و در واقع تضمین کردن جلسات و نشست‌های مخالفان ایران در اروپا، پای کار آمدند و با دیپلمات ایرانی آن برخورد را کردند، در واقع اغتشاش‌های کنونی را مدنظر داشته و برای آن تدارک می‌دیدند. سازمان منافقین بدنام‌ترین گروه ایرانی و بعد از صهیونیست‌ها، شرورترین سازمان در سطح بین‌الملل شناخته می‌شود. حمایت کشورهایی نظیر آلمان، فرانسه، انگلیس، نروژ و بلژیک و سپس حمایت اتحادیه اروپا از آن، ساده و بدون هزینه نیست. اما آنان هزینه حمایت آشکار از این بدنام‌ترین سازمان را هم می‌پذیرند! چرا؟ برای اینکه برای غرب، مقصد این توطئه که تضعیف جمهوری اسلامی است، ارزشش را دارد.

البته از آنجا که خداوند متعال ولی‌دم شهدای خالص و صادق انقلاب اسلامی است، این توطئه پیچیده آنان نیز خنثی گردید. در این صحنه حاصل کار دشمن هم جز خواری و خذلان نبود. اما در عین حال ما هم باید کارهایی می‌کردیم که نکردیم و باید کارهایی بکنیم:

۱- وقتی دادگاه بلژیک دبیر سوم سفارت ایران در وین - که از ۱۳۸۲ وارد عرصه دیپلماتیک در بغداد، لندن، وین و... شده و یک دیپلمات شناخته شده به حساب می‌آید - را بدون دلیل موجه، متهم و محکوم به حبس کرد و پیش از آن دولت این کشور در اقدامی غیرمتعارف، مصونیت دیپلماتیک او را لغو نمود، ما باید متقابلا یک دیپلمات بلژیکی را در تهران بازداشت کرده و به زندان می‌انداختیم. اما این کار را نکردیم و اروپایی‌ها با پررویی بیشتر به آموزش و سازماندهی عوامل آشوب در ایران پرداختند.

۲- اطلاعات مربوط به اقدامات سفارت‌خانه‌های کشورهای مورد اشاره این یادداشت، در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی ایران است. کما اینکه اقدامات ضدایرانی آشکار مستقیم و غیرمستقیم و پوششی این کشورها در محیط برون‌مرزی هم برای دستگاه‌های اطلاعاتی کشور روشن است. بنابراین ما باید اولا علیه این کشورها وارد اقدامات حقوقی شویم و ثانیاً با توجه به توانایی‌هایی که داریم، حساب آنان را قبل از آنکه سنگین‌تر شود، تسویه کنیم. اگر ما در واکنش به اقدامات ضدایرانی آنان فقط بیانیه بدهیم و بگوییم می‌دانیم شما چه کرده و چه می‌کنید، قطعاً فایده‌ای ندارد و اطلاعیه بعدی ما را هم به چیزی نخواهند گرفت. ما باید هزینه‌های متقابلی متوجه هر کدام از این دولت‌ها بکنیم. امروز امنیت شهروندان ما وابسته به واکنش‌های عملی و نه تریبونی ماست. کاش تریبون‌ها را خاموش کنیم و به سمت تسویه‌حساب برویم، این بازدارندگی می‌آورد و به نفع خود آنان هم هست؛ چون از کارهای پلید دست برمی‌دارند. «وَلَکُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیَاةٌ یَا أُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ».

سعدالله زارعی

کفگیر غربی‌ها به تهِ دیگ خورده است

دیدار مضحک ماکرون با اپوزیسیون ورشکسته

سرویس سیاسی-

جلسه مشترک علی‌نژاد و ماکرون و اظهارات متوهمانه آنها حاکی از آن است که کفگیر غربی‌ها به تهِ دیگ خورده و جز حرکت‌های رسانه‌ای و زوزه کشیدن‌های بی‌جهت و دیدار با اپوزیسیون ورشکسته، چیزی در چنته ندارند.

مصی علی‌نژاد، از عناصر خودفروخته و پادوی سرویس‌های اطلاعاتی غرب، روز جمعه ۲۰ آبان با امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه دیدار کرد.

ماکرون که کشورش در خیانت و خباثت علیه ملت ایران ید طولایی دارد در راستای لفاظی و مداخله در امور داخلی ایران و با هدف ریشارژ کردن ناآرامی‌های اخیر در کشور با مصی علی‌نژاد و گروهی از اپوزیسیون زن ایرانی در خارج از کشور دیدار کرد.

وی که به دلیل حمایت‌هایش از توهین به پیامبر اعظم (ص) و دین مبین اسلام در ایران به ابلیس پاریس معروف شده، در این دیدار مضحک که با استقبال ضدانقلاب مواجه شد، اغتشاشات در ایران را انقلاب نامید و گفت: «برای انقلابی که (این خانم‌ها) رهبری می‌کنند احترام قائل هستم.»!

پشت پرده جلسه ماکرون با علی‌نژاد

بر اساس گزارشی که نشریه لوموند منتشر کرده، در جلسه ماکرون با فعالان اپوزیسیون زن ایرانی در خارج از کشور، علاوه‌بر علی‌نژاد، «لادن برومند» مؤسس دو سازمان بنیاد برومند و بنیاد NED (بنیاد ملی برای دموکراسی) و فرزند عبدالرحمان برومند از عاملین کودتای نوژه حضور داشته است.

لازم به ذکر است که «بنیاد عبدالرحمن برومند» یک موسسه وابسته به سازمان‌های آمریکایی است که در پوشش فعالیت‌های حقوق بشری علیه ایران اقدام می‌کنند و بنیاد NED (بنیاد ملی برای دموکراسی) وابسته به وزارت امور خارجه آمریکا که به عابربانک اپوزیسیون معروف است، به‌طور سالانه بودجه‌ای را در اختیار بنیاد عبدالرحمن برومند قرار می‌دهد.

اگرچه ضدانقلاب سعی کرد با شگردهای تبلیغی خود القا کنند که نشست مزبور به دعوت مستقیم کاخ الیزه صورت گرفته اما به اذعان برخی چهره‌های فرانسوی که با علی‌نژاد دیدار جداگانه داشته‌اند، یکی از گروه‌های معاند و تجزیه‌طلب تحت عنوان «عدالت برای کردستان» در برگزاری این نشست دست داشته‌اند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده «کارولین فورست» نویسنده و فیلم‌ساز شناخته‌شده فرانسوی با انتشار یک پیام در حساب کاربری خود در توئیتر از دیدار روز جمعه خود با مصی علی‌نژاد و همراهان او در پاریس خبر داد و نوشت که این نشست با تلاش گروه عدالت برای کردستان برگزار شده است.

علی‌نژاد هم این توئیت را در حساب شخصی خود در توئیتر بازنشر داد که به‌منزله تأیید نقش عدالت برای کردستان در برگزاری دیدار رئیس‌جمهور فرانسه با این گروه است.

برنارد لوی و تأسیس گروه تجزیه‌طلب

گفتنی است گروه تجزیه‌طلب و معاند «عدالت برای کردستان» توسط «برنارد هنری لوی» یکی از یهودیان پرنفوذ ساکن فرانسه که نماد سازمان اطلاعات فرانسه و ناتو در منازعات بین‌المللی محسوب می‌شود، تأسیس شده و توسط او اداره می‌شود.

این فرانسوی صهیونیست که یکی از عوامل اصلی و پشت پرده بسیاری از کودتاها و شورش‌ها ازجمله در افغانستان، لیبی، بوسنی، سودان جنوبی، غائله تجزیه کردستان، لبنان و... بوده، در گفت‌وگویی که با فاکس نیوز داشته، نظرات عجیبی درباره ایران، ایرانیان را مطرح کرده و گفته است: «ایرانیان و آلمانی‌ها هر دو ژن نازی دارند و حضور ایران در لبنان و سوریه و عراق ناشی از توسعه‌طلبی برآمده از همین‌ژن نازی است.»

قابل‌توجه آنکه، روز یکشنبه ۸ آبان تصویری از دیدار مصی علی‌نژاد با برناد لوی منتشر شده بود.

او در این دیدار به برنارد لوی گفته است کاری که غرب با روسیه کرد و از اوکراین حمایت کرد، برای ایران هنوز انجام نشده و غرب باید علیه ایران فشار جنگی و اقتصادی بیشتری بیاورد.!

ضرورت هشیاری دستگاه دیپلماسی کشور

بر اساس اخبار و اطلاعات منتشر شده، رئیس‌هیئت‌مدیره «گروه عدالت برای کردها» شخصی به نام «کاپلان» سرمایه‌گذار اصلی سازمان UANI (سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای) است که برای منافع سعودی و امارات، تحریم ایران را لابی می‌کند.

این سازمان که در اوج همه‌گیری کرونا با فشار بر شرکت‌های دارویی که مجوز فروش به ایران باعث توقف واردات واکسن ۸ شرکت دارویی به ایران شد، سال ۲۰۱۹ برنامه‌ای با حضور ضدانقلاب و سخنرانی پمپئو برگزار و منافقین را آینده ایران معرفی کرده بود!

برنارد هنری لویی به همراه کاپلان در گروه «عدالت برای کردستان»(Justice For Kurds) هدف تشکیل کشور کردستان که نتیجه تجزیه ایران و عراق و سوریه و ترکیه است را دنبال می‌کنند.

یکی از فعالان حوزه رسانه روز گذشته به نکته جالبی در این خصوص اشاره کرد و در صفحه توئیتر خود نوشت: گروه «عدالت برای کردستان» در معرفی خود نوشته است: «پس از مهار تروریسم [داعش]، دولت‌های غربی ملت کُرد را که آرزوی استقلالش را ۴ همسایه قدرتمندش [ایران، عراق، سوریه، ترکیه] هرگز نبخشیده‌اند به حال خود رها کرد» و در واکنش به این موضوع (یعنی نماندن غرب برای تحقق استقلال کردها) این سازمان تأسیس شده.

اینکه اپوزیسیون ویرانی‌طلب مطالبات مشروع مردم ایران را برای اهداف ایران‌ستیزانه ربوده تا مطالبات کشورهای متخاصم منطقه را جایگزین آن کند موضوع جدیدی نیست. اما میزبانی ماکرون از فرستادگان این سازمان تعرضی به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران و همچنین عراق، سوریه و ترکیه است.

جا دارد دستگاه دیپلماسی کشور در اقدامی هماهنگ با سه همسایه خود نسبت به این اقدام نامتعارف رئیس‌جمهور فرانسه اعتراض کنند.

مصی علی‌نژاد؛ پادوی فعال سرویس‌های بیگانه

مصی علی‌نژاد که طی سال‌های گذشته هویت خود را در خیانت و عناد با نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران و همچنین در قامت یکی از فعال‌ترین پادوهای رسانه‌های ضدانقلاب در شبکه‌های اجتماعی بازتعریف کرده، در دوره کمپین فشار حداکثری ترامپ با وزیر خارجه او یعنی پمپئو دیدار و در آن از تحریم‌ها علیه ایران حمایت کرد.

این عنصر خودفروخته و مزدور غرب در موارد بسیاری در قالب کارشناس برنامه‌های شبکه‌های معاند، خواستار تشدید تحریم‌ها علیه مردم ایران شده است.

جلسه ماکرون با علی‌نژاد پس‌ازآن صورت گرفت که اندیشکده آمریکایی «واشنگتن برای سیاست‌گذاری در خاور نزدیک» اوایل ماه گذشته در خبری اعلام کرد که در ۲۶ آبان ۱۴۰۱، نشان پژوهشگر- سیاست‌ورز خود را به مصی علی‌نژاد اعطاء خواهد کرد!

او درباره جلسه خود با ماکرون نوشته است: «در دیدار دونفره با ماکرون گفتم آنچه در ایران دارد اتفاق می‌افتد انقلاب است. فرانسه می‌تواند نخستین کشور برای به رسمیت شناختن این انقلاب باشد. به‌جای جمهوری اسلامی با چهره‌های اپوزیسیون در آینده دیدار کنید و اتحادیه اروپا را برای پذیرش ایران سکولار آماده کنید»!

گرچه اپوزیسیون و معاندان نظام اسلامی در توهم کامل به سر می‌برند اما جلسه مشترک علی‌نژاد و ماکرون و اظهارات متوهمانه آنها حاکی از آن است که کفگیر غربی‌ها به ته دیگ خورده و جز حرکت‌های رسانه‌ای و زوزه کشیدن‌های بی‌جهت و دیدار با اپوزیسیون ورشکسته، چیزی در چنته ندارند.

درخصوص ورشکستگی و دریوزگی مزدور مواجب‌بگیر غرب کافی است به قراردادهای مصی علی‌نژاد با دولت آمریکا اشاره شود. اسنادی که طی چندین سال گذشته بارها منتشر شده و حاکی از آن است که وی حقوق بگیر واشنگتن بوده و بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ قراردادهایی به ارزش بیش از ۲۳۱ هزار دلار با دولت آمریکا امضا کرده است.

در کنار جوایز و دستمزدهای سرویس‌های غربی، به افشاگری اخیر مجری شبکه من‌وتو درباره تجارت مصی علی‌نژاد از اغتشاشات اشاره شود.

«سالومه سیدنیا» مجری شبکه من‌وتو در فایل صوتی که مهرماه سال جاری منتشر شد، درخصوص نحوه پادویی مصی علی‌نژاد گفت: «مصی صورت‌حساب ۱۰ هزارپوندی برای کیوان عباسی [مدیرعامل من‌وتو] فرستاد؛ به خاطر انتشار کلیپ پویا بختیاری، بعد این بود که کیوان، مصی را بلاک کرد.»

وی همچنین گفته بود: «مصی دیگر در شبکه من‌وتو نیست و فقط در شبکه سعودی ایران اینترنشنال فعالیت دارد.»

در کنار لفاظی‌ها و تحریم‌های غربی و حمایت صریح و آشکار آنان از آشوبگران، حجم فعالیت‌های مصی علی‌نژاد و توجه مقامات غربی و مراکز وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی غرب به او نشان می‌دهد که اغتشاشات اخیر با موضوعیت «مقابله با حجاب» از سوی غرب، بدخواهان و معاندان نظام اسلامی ایران و در راستای پروژه ویران‌سازی ایران طراحی و هدایت و حمایت شده است؛ پروژه‌ای که با آگاهی و بصیرت ملت ایران به‌ویژه مراسم ۱۳ آبان امسال به شکست محکوم شد.

خبر ویژه

سرگیجه دوباره غرب؛ فتوشاپ است یا کابوس؟!

در حالی که برخی محافل اروپایی طبق معمول سعی دارند موفقیت بزرگ ایران در زمینه‌های موشکی را انکار کنند، روزنامه صهیونیستی تولید موشک هایپرسونیک را اتفاقی مهم و تعیین‌کننده توصیف کرد.

در پی انتشار خبر ساخت موشک هایپرسونیک توسط ایران، الوئیز فایه تحلیلگر مرکز مطالعات امنیتی مؤسسه فرانسوی روابط بین‌الملل به رادیو فرانسه گفت: این خبر چندان معتبر نیست و دلیل آن هم بسیار ساده است چرا که تسلط بر فناوری مافوق صوت، به این معنا که یک موشک بتواند در جو مانور دهد و در عین حال شناسایی نشود، بسیار دشوار به دست می‌آید، کشورهای بسیار پیشرفته در زمینه تسلیحات نظامی مانند فرانسه، چین، آمریکا و روسیه پروژه‌های مافوق صوتی دارند که هنوز همه آنها آزمایش نشده است.

وی در مورد دلیل اعلام خبر ساخت این موشک، گفت: اقدام ایران پیامی است خطاب به امارات و به‌طور گسترده‌تر به اسرائیل، حتی به عربستان سعودی یا سایر کشورهایی که وسوسه می‌شوند خود را به سیستم اسرائیلی یا آمریکایی مجهز کنند، تا بگویند به‌طور بالقوه، ایران می‌تواند از این خط دفاعی عبور کند. تسلط بر فناوری مافوق صوت بسیار دشوار باشد و بعید است که ایران موفق به توسعه چنین موشکی شده باشد. به‌خصوص که ایران برنامه موشکی بالستیک اثبات‌شده‌ای دارد که می‌تواند به اندازه کافی برای شکستن برخی از سیستم‌های دفاعی موثر باشد.

اما در همین حال، روزنامه صهیونیستی جروزالم‌پست نوشت: اسرائیل مدت‌ها پیش از آن‌که ایران اعلام کند چنین سلاح‌هایی را توسعه داده، نگران موشک‌های مافوق صوت در منطقه بود و برای مقابله با هرگونه تهدیدی از این دست، با آژانس دفاع موشکی آمریکا همکاری کرده بود.

امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، اخیرا گفت که ایران موشک بالستیک هایپرسونیک برای مقابله با سپرهای دفاعی هوایی ساخته است. یکی از افسران ارشد دفاع هوایی ارتش اسرائیل در ماه سپتامبر گفته بود که موشک‌های مافوق صوت هنوز تهدیدی در منطقه نیستند، اما نگرانی بزرگی محسوب می‌شوند.

جروزالم‌پست افزود: در حال حاضر به‌دلیل تهدید نوظهور موشک‌های مافوق صوت (هایپرسونیک)، سازمان دفاع موشکی آمریکا برای بودجه مالی ۲۰۲۳ خود درخواست ۲۲۵ میلیون دلار برای مقابله با این موشک‌ها کرده است.

موشک‌های مافوق صوت پنج برابر سریع‌تر از سرعت صدا پرواز می‌کنند و مسیرهای پروازی پیچیده و مختلفی دارند و تهدید جدی به‌شمار می‌روند. این ویژگی‌ها رهگیری آنها را دشوار می‌کند و این تهدیدی نگران‌کننده است؛ به‌ویژه پس از آنکه ایران اعلام کرد یک موشک مافوق صوت را که می‌تواند به هر سپر دفاع موشکی نفوذ کند، توسعه داده است. اظهارات اخیر فرمانده هوا فضای سپاه پاسداران ایران، کابوسی برای مقامات اسرائیل است، چرا که بدون‌شک، دستیابی ایران به این نوع از سلاح‌های راهبردی، توازن را در منطقه برهم خواهد زد.

یادآور می‌شود در گذشته نیز به‌دنبال انتشار اخبار مربوط به تولید موشک و پهپادهای مدرن از سوی ایران، برخی منابع غربی مدعی شده بودند تصاویر منتشره فتوشاپ است اما بعدها که پایگاه عین‌الاسد درهم کوبیده شد و سپس قدرت رزمی پهپادهای ایران در میدان به نمایش درآمد، رادیو فردا اذعان کرد ادعای فتوشاپ بودن موشک‌ها و پهپادهای بسیار مدرن ایران، عاری از حقیقت بوده است!

بهبود محیط کسب و کار در نظرسنجی فعالان اقتصادی

محیط کسب و کار پس از یک دوره طولانی رکود، در تابستان امسال وارد دوره بهبود شده است. این ارزیابی درباره بهبود شاخص کسب و کار، پس از جدیدترین نظرسنجی از فعالان اقتصادی منتشر شده است.

بر اساس نتایجی که مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از پایش ملی محیط کسب و کار ایران در تابستان ۱۴۰۱ منتشر کرده، رقم شاخص ملی در این فصل ۵٫۸۸ (نمره بدترین ارزیابی ۱۰ است) محاسبه شده که از وضعیت این شاخص نسبت به ارزیابی فصل گذشته (بهار ۱۴۰۱ با میانگین ۶٫۰۷) مساعدتر است.

محیط کسب وکار به مجموعه عواملی گفته می‌شود که بر عملکرد یا اداره بنگاه‌های اقتصادی موثر هستند اما تقریبا خارج از کنترل مدیران بنگاهها قرار دارند؛ عواملی نظیر قوانین و مقررات، میزان بارندگی، فرهنگ کاری در یک منطقه و... که در کشورها و مناطق جغرافیایی گوناگون، در هر رشته کاری و نیز در طول زمان متفاوت هستند.

براساس یافته‌های طرح، میانگین ظرفیت فعالیت (واقعی) بنگاههای اقتصادی شرکت‌کننده در فصل تابستان ۱۴۰۱ معادل ۴۱٫۱۵ درصد بوده که نسبت به همین میزان در بهار ۱۴۰۱ (۳۹٫۵۱ درصد) با افزایش ۱٫۶۴ واحدی مواجه شده است. فعالان اقتصادی به طور متوسط، میزان تاثیر کرونا بر کسب و کار را ۴٫۷۹ ارزیابی کرده‌اند.

نتایج پایش ملی محیط کسب و کار ایران در تابستان امسال عدد ۵/۸۸ (نمره بدترین ارزیابی ۱۰ است) را به عنوان شاخص کل به دست می‌دهد که مساعدتر از وضعیت این شاخص در ارزیابی فصل گذشته یعنی بهار است که در میانگین ۶/۰۷ قرار داشت. این ارزیابی بیانگر آن است که از نظر فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در این پایش، وضعیت برخی مولفه‌های موثر بر محیط کسب و کار ایران در تابستان امسال مساعدتر شده است.

در ارزیابی شاخص محیط کسب وکار هر چه رقم شاخص به سمت عدد ۱۰ نزدیکتر شود، به معنای افت این فضا و نامساعد بودن آن است.

نکته قابل تأمل که می‌توان از این پایش به‌دست آورد این است که نرخ ۵/۸۸ درصد شاخص محیط کسب وکار در تابستان سال ۱۴۰۰، کمترین نرخ این فضا نسبت به فصل زمستان بوده است و نسبت به فصول سال‌های ۹۷ تا ۹۹ نیز از روند مساعدتری برخوردار بوده است.

جدیدترین پایش محیط کسب و کار نشان می‌دهد که کرونا در تابستان سال جاری، ۴/۷۹ واحد بر محیط کسب و کارها تاثیر گذاشته که این رقم نسبت به ۵/۱۱ واحد در بهار همین سال کاهش یافته است. همه‌گیری کووید-۱۹ یکی از عوامل نامساعد شدن فضای کسب و کار در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ بوده است.

برآشفتگی مشکوک حزب اشرافی علیه اصلاح الگوی کشت

روزنامه حزب کارگزاران، حمایت هوشمندانه دولت از کشاورزان و اعمال سیاست‌های تشویقی برای تامین امنیت غذایی کشور را، با تعبیر تحریف‌آمیز «کشاورزی دستوری» تخطئه کرد!

این روزنامه در نوشته‌ای با عنوان «کشاورزی رسما دستوری شد؛ وزارت جهادکشاورزی کشاورزان را ملزم به کاشت غلات کرد»، می‌نویسد: پیش‌بینی‌های بهمن‌ماه سال گذشته روزنامه سازندگی درباره «کشاورزی دستوری» پاییز امسال به وقوع پیوست و وزارت جهاد کشاورزی از طرحی رونمایی کرد که به کشاورزان دستور می‌دهد چه بکارند و چه نکارند. این طرح که با هدف خودکفایی تهیه شده، از مهر امسال ابلاغ شده است.

ابراهیم رئیسی و جواد ساداتی‌نژاد بارها گفته بودند که: «به دنبال این هستیم که تولید در حوزه کشاورزی با قرارداد انجام شود. به تمام کشاورزان از طریق دولت اعلام می‌شود که کالای مورد نیاز کشور چیست و همان تولید می‌شود.» سازندگی سال گذشته در گزارشی هشدار داده بود که این اظهارات شباهت زیادی به کارکردهای کشاورزی برنامه‌ریزی شده در ساختار شوروی سابق دارد. اکنون رسانه‌ها از ابلاغیه‌ای خبر می‌دهند که شیوه‌نامه اجرای همان اظهارات است. اسم رمز طرح را «اصلاح الگوی کشت» گذاشته‌اند و ماموریت آن خودکفایی است، اما نتیجه‌اش چیزی جز نابودی کامل منابع آب و خاک کشور نیست.

۱۸ مهرماه، یعنی تقریبا یک ماه بعد از شروع فصل کشت، وزارت جهاد کشاورزی از طرح «الگوی کشت محصولات کشاورزی» رونمایی کرده است. براساس این طرح مقرر شد، کشاورزان از بین ۱۳۳ محصول کشاورزی صرفا روی ۱۵ محصول متمرکز شوند. این ۱۵ محصول همان ۳۳ درصد اقلامی هستند که گفته شده، در سبد تولیدات کشاورزان قرار دارند.

براساس این طرح، وضعیت تولید غلات، یکی از مهم‌ترین گروه‌های سبد کشاورزان، نیز مشخص شده است. به گزارش اکو ایران، واکاوی این طرح نشان می‌دهد، در جریان کشت غلات، ۶ استان نیمکت‌نشین و ۷ استان بازیگر اصلی هستند. استان خوزستان که تامین‌کننده اصلی انرژی کشور است، بزرگ‌ترین بازیگر این زمین نیز به حساب می‌آید. این استان باید ۲ میلیون و ۱۹۵ هزار تن غلات تولید کند. این فضاسازی روزنامه حزب اشرافی با استفاده از واژه دروغین «کشاورزی دستوری» در حالی است که اولا هدف دولت، حمایت از کشاورزان در زمینه تولید محصولات راهبردی مانند گندم و غلات است و این در حالی است که در دولت سابق، سیاست‌های غلط در زمینه عدم حمایت از خرید تضمین با قیمت مناسب و ترجیح واردات، موجب شد واردات گندم به ۷ تا ۸ میلیون تن افزایش یابد و حال آنکه از یک طرف، قیمت جهانی گندم و غلات، افزایش‌های نجومی را تجربه می‌کرد و از سوی دیگر، کشاورزان وطنی متضرر می‌شدند. در این زمینه دولت امسال توانست ۷/۵ میلیون تن گندم از کشاورزان به قیمت تضمین بخرد و پول پرداختی را به جای واردکنندگان و دلالان، به حمایت از کشاورزان ایرانی اختصاص بدهد. این رقم تقریبا دو برابر سال قبل بود.

ثانیا سیاست دولت در این زمینه و با نگاه کلان ملی، سیاست حمایتی- تشویقی در قالب «اصلاح الگوی کشت» است و نه دستوری. دولت در این مسیر از تولید ۸ محصول اساسی و راهبردی برای تامین امنیت غذایی حمایت می‌کند. که از جمله گندم، سویا، برنج، کلزا، ذرت علوفه‌ای و... است. در این زمینه تضمین قیمت خرید، فرصت‌طلبی و امیدواری برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی است.

با این توضیح باید بررسی کرد گردانندگان حزب اشرافی، چه سودی در نابودی تولید داخلی و واردات محصولات مهم کشاورزی دارند که از حمایت دولت نسبت به کشاورزان داخلی برآشفته می‌شوند.

گفت و شنود

فیوز پرید!

گفت: این فحاشی‌ها و ناسزاها از سوی چه کسانی و خطاب به چه افرادی مطرح شده است؟!

گفتم: کدام ناسزاها؟ کدام فحاشی‌ها؟!

گفت: این ناسزاها... «بی‌سواد، بی‌شناسنامه، مزدور، کاسب تحریم، کودک‌صفت، حسود، بزدل، ترسو، جیب‌بر، بی‌قانون، مستضعف‌فکری، بیکار، متوهم، غوطه‌ور در فساد، سوءاستفاده‌گر، خرابکار، عقب‌مانده، تازه به دوران رسیده، عصر حجری، هوچی‌باز، منفی‌باف، یأس‌آفرین، ناشکر، باید به جهنم بروند، انقلابیون نفهم، یک مشت لات! و...»!

گفتم: این که خیلی واضح است. این فحش‌ها از سوی دولت قبل و مدعی اصلاحات خطاب به منتقدان مطرح شده است. اسناد آن هم موجود است. نوار صوتی، فیلم و نوشته روزنامه‌های زنجیره‌ای و...!

گفت: حالا همین جبهه اصلاحات در بیانیه اخیر خود به مسئولان نظام انتقاد کرده و نوشته است: «حاکمیت می‌بایست حق اعتراض و بیان خواسته‌های مسالمت‌آمیز گروه‌های مطالبه‌گر مردم را، «در عمل» به رسمیت بشناسد و با نهایت رواداری با آنان مواجه شود»!

گفتم: یارو رو برق گرفته بود، فیوز پرید! فیوز رو زدند، یارو پرید!

نکته

یک کلام، ختم کلام!...

۱- «جابه‌جایی تابلوها» یکی از ترفندهای شناخته شده عملیات روانی است. حریف در این ترفند، مشکلات و پلشتی‌هایی را که خود عامل و پدید آورنده آن بوده است به طرف مقابل نسبت می‌دهد! و با اصرار و تکرار بر این جابه‌جایی دو هدف مشخص را دنبال می‌کند، اول؛ تبرئه خود از تخلفات، قانون‌شکنی‌ها و ناهنجاری‌هایی که مرتکب شده است و دوم؛ مدیریت افکار عمومی علیه جریانی که با آن به دشمنی برخاسته است. آمریکا، انواع تحریم‌های ضدبشری را علیه ایران اسلامی به کار می‌گیرد و در همان حال مشکلات ناشی از تحریم‌ها را (که بسیاری از آنها، به لطف خدا و تلاش دولت سیزدهم خنثی شده و یا درحال خنثی شدن است) به ایران نسبت می‌دهد! آشوب و بلوا به راه می‌اندازد، انسان‌های بی‌گناه را به قتل می‌رساند، اموال عمومی را به آتش می‌کشد و... جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند! مدعیان اصلاحات از منتقدان با انواع فحش و ناسزا نظیر؛ «بی‌سواد، بی‌شناسنامه، مزدور، کاسب تحریم، کودک‌صفت، حسود، بزدل، ترسو، جیب‌بر، بی‌قانون، مستضعف‌فکری، باید به جهنم بروند، انقلابیون نفهم، یک مشت لات و... »! استقبال می‌کند، و حالا بیانیه می‌دهد که چرا به انتقادها پاسخ مناسب نمی‌دهید؟! خزانه را با هزاران هزار میلیارد تومان بدهی به دولت سیزدهم تحویل می‌دهد و اکنون ایراد می‌گیرد که با ثروت ملی چه کرده‌اید؟! و...

بهره‌گیری از این ترفند قصه‌ای است که سر دراز دارد و از دیرباز مورد استفاده دشمنان بوده است. بازهم به عنوان مثال، در جریان جنگ جمل، طلحه و زبیر که از آتش‌افروزان اصلی آن جنگ بودند، ادعا می‌کردند به خون‌خواهی عثمان در مقابل امیرالمومنین، علی علیه‌السلام به تخاصم ایستاده‌اند! این ادعا در حالی بود که آنها خود خلیفه سوم را به قتل رسانده بودند و همگان شاهد بودند که حضرت امیر(ع)، فرزندان خود، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام را با جمعی دیگر از یاران به مقابله محاصره‌کنندگان خانه عثمان فرستاده و محاصره را شکسته و آب و غذا به آنان رسانده بود. امیرالمومنین(ع) در این باره می‌فرمایند؛ «اِنَّهُمْ لَیَطْلُبُونَ حَقّاً هُمْ تَرَکُوهُ وَ دَماً هُمْ سَفَکُوهُ ... آنها [طلحه و زبیر] حقی را مطالبه می‌کنند که خود ترک کرده‌اند و خونی را می‌طلبند که خود ریخته‌اند».

۲- روز چهارشنبه هفته گذشته جبهه اصلاحات درباره آشوب‌های اخیر بیانیه‌ای صادر کرد که فقط نیم نگاهی به متن آن و مروری گذرا بر مواضع و عملکرد این جبهه از آغاز تاسیس تاکنون به وضوح حکایت از آن دارد که این جبهه برای تبرئه خود از اقدامات پلشتی که انجام داده و بلاهای فراوانی که بر سر ملت آوار کرده، به بهره‌گیری از ترفند «جابه‌جایی تابلوها» روی آورده است! در این بیانیه مدعیان اصلاحات اگرچه درباره مشکلات فراوانی که به ایران و ایرانی تحمیل کرده‌اند، خود را به فراموشی زده‌اند! ولی هنوز دیر زمانی از عملکرد خسارت‌بار و فاجعه‌آفرین این جبهه نگذشته است و تعجب‌آور است که چگونه انتظار دارند سابقه سوء آنان از خاطره ملت محو شده باشد! ... شرح این ماجرا مثنوی هفتاد من کاغذ است که بارها به آن پرداخته‌ایم و غیر از ناسزا پاسخی دریافت نکرده‌ایم!

در این وجیزه اما، از یک‌سو، خوانندگان محترم را به مطالعه بیانیه یاد شده دعوت می‌کنیم و قضاوت را بر عهده خود آنان می‌گذاریم و از دیگر سو، دو سؤال را با جبهه اصلاحات در میان می‌گذاریم. دو پرسشی که تاکنون جبهه اصلاحات از پاسخ به آن طفره رفته است. بخوانید!

۳- پرسش اول؛ در جریان فتنه آمریکایی- اسرائیلی۸۸ نتانیاهو نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی با صراحت اعلام کرد که «اصلاح‌طلبان بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در ایران هستند»! سؤال این است که چرا تاکنون هرگز این ادعای نتانیاهو را تکذیب نکرده‌اید؟! و حتی نظر و دیدگاه او را به تلویح و کنایه نیز نفی نکرده‌اید! و حال آنکه معمولاً شما مدعیان اصلاحات هیچ انتقاد و یا اظهار نظری علیه خود را بی‌پاسخ نمی‌گذارید و چنانچه بخشدار فلان بخش دور افتاده سخنی علیه جبهه اصلاحات بر زبان و قلم بیاورد، تمام صفحات روزنامه‌های زنجیره‌ای و سایت‌ها و کانال‌های اینترنتی را در اعتراض به او سیاه می‌کنید! چه شده است که اظهارات نتانیاهو درباره جبهه اصلاحات را که آشکارا و به صراحت این جبهه را به وطن‌فروشی متهم کرده است، بی‌پاسخ گذاشته‌اید؟! آیا ردپا و یا به اصطلاح، گزکی از شما در دست صهیونیست‌هاست که از افشای آن وحشت دارید؟!

و اما، پرسش دوم اینکه؛ چرا بسیاری از مواضع و عملکرد شما با مواضع و خواست دشمنان تابلودار مردم و نظام، مخصوصاً با مواضع و خواست آمریکا و اسرائیل همسان بوده و هست؟! چرا به این پرسش که بارها از سوی کیهان و برخی دیگر از رسانه‌ها مطرح شده است پاسخ نمی‌دهید؟! مروری هرچند گذرا بر مواضع جبهه اصلاحات و مقایسه آن با مواضع دشمنان نظام به وضوح از همسویی آنها با یکدیگر حکایت می‌کند. کاش به این پرسش پاسخ می‌دادید. ما فهرست بلندبالایی از همسویی و همخوانی مواضع اصلاحاتچی‌ها با مواضع دشمنان در اختیار داریم که تماماً از روزنامه‌ها، سایت‌ها و توئیت‌های مدعیان اصلاحات گرفته شده و قابل انکار نیست و می‌توان درستی تمام موارد آن را با جبهه اصلاحات به ارزیابی نشست. بسم‌الله!... یک کلام، ختم کلام...!

در خاتمه، اشاره به این نکته نیز ضروری است که ماجرای مورد اشاره تمامی طیف جبهه اصلاحات را شامل نمی‌شود و البته انتظار آن است که آنان صف خود را از صف مدعیان یاد شده جدا کنند.

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* اروپایی‌ها و غرب این روزها به جای اینکه در حال گرفتن موضع در مقابل ایران باشند فکری برای گرم کردن خود در زمستان امسال باشند. عقل هم خوب چیزی است افسوس که غربی‌ها از آن بی‌بهره هستند.

عشقی

* یکی از دلایل فتنه‌انگیزی‌های دشمنان در کشور قوی شدن و اقتدارمان است که به الگویی در جهان تبدیل شده است و تا چندی بعد دنیا،کشور قدرتمند ایران عزیز در منطقه و افول کشورهای غربی را به نظاره خواهد نشست. دشمن در روزهای پایانی عمر خود به دست و پا افتاده که مانع این اقتدار شود ولی کورخوانده است.

قوامی

* واقعیت این است که جهان در حال پوست‌اندازی می‌باشد و هندسه قدرت جهانی در حال جابه‌جایی یعنی انتقال قدرت از غرب به شرق است و اما ایران به دلیل ظرفیت‌هایی که دارد می‌تواند نقش بسیار حیاتی و ویژه در نظم جدید جهان داشته باشد و چنانچه کوتاهی صورت بگیرد در پیرامون قدرت‌های بزرگ بازیگر فرعی خواهد شد.

اکبرنژاد

* در مورد رفتار غیردیپلماتیک فرانسه و آلمان در هدایت و حمایت از اغتشاشات اخیر در کشور می‌خواهم بگویم جو کاذب این حوادث کاملا فروکش خواهد کرد ولی رفتار ضد دیپلماسی و غیرمنطبق با حقوق بین‌الملل این کشور غربی فراموش نخواهد شد و جواب رفتارهای ناشایست دشمنان برای ما محفوظ خواهد بود.

زمانی

* امیدواریم با رویکرد دولت به خودکفایی در محصولات کشاورزی(الگوی کشت، امنیت غذایی، تمرکز بر قطب‌های جدید، توسعه کشاورزی قراردادی، سیستم شناسایی تولید کم‌نهاده و پرنهاده و...) شاهد خودکفایی و کاهش واردات و افزایش تولیدات و صادرکننده محصولات کشاورزی به سایر کشورها باشیم.

صلاحی

* روزنامه‌های زنجیره‌ای در واقع به دنبال کشیدن ترمز دولت در حرکت جهادی برای پیشرفت و موفقیت هستند که هر روز از ترمیم کابینه سخن می‌گویند. نشانه‌اش اینکه همین‌ها در دولت قبل که وزیر ناکارآمدی بیش از ۵ سال با دست روی دست گذاشتن یک واحد مسکن هم نساخت به دنبال ترمیم کابینه دولت قبل نبودند! این سخن از ترمیم کابینه نه از روی صداقت و اخلاص است و نه از انصاف و دلسوزی.

صمدی

* با توجه به اقرار سازمان‌های بین‌المللی به رشد اقتصادی کشورمان نسبت به دولت قبل، کارشناسان اقتصادی این مسئله را برای مردم تبیین کنند تا مردم متوجه شوند که تلاش جهادی دولت ثمر می‌دهد.

بلخاری

* اغتشاشگران داعشی با شعار زن، زندگی، آزادی به سوی مردم تیغ کشیدند تا توانستند جنایت کردند. اگرچه نظام شهید داد ولی دست این جنایتکاران برای مردم رو شد و مورد تنفر شدید ملت قرار گرفتند.

رشوند

* این که بعضی افراد و جریان‌های سیاسی کشور خیلی راحت علیه نظام حرف می‌زنند نشانه قدرت جمهوری اسلامی است. در شرق کشور کسی آزادی زنان را مطالبه کرده که خود ایشان به خانم‌ها اجازه اقامه نماز جماعت در مسجد نمی‌دهد.

خوش‌چهره

* جنایت داعشی‌های وطنی در کرج روی دیگر سوریه‌سازی ایران و ایجاد ناامنی برای عامه مردم بود. برای جلوگیری از سوریه شدن ایران باید مماشات را کنار گذاشت و اوباش را به سختی مجازات کرد.

اکبرزاده

* همین براندازانی که در جمهوری اسلامی به پلیس امنیت کشور لگد می‌زنند در دموکراسی غربی از پلیس لگد می‌خورند و صدایشان هم در نمی‌آید. قلم تاریخ بشکند اگر این حوادث را ثبت نکند.

طاهری

* چند مادر باید داغدار فرزندان خود بشوند و چه تعداد شهید از پلیس، بسیجی و طلبه باید بدهیم تا عده‌ای جاهل بیدار بشوند؟ مماشات که از حد بگذرد نتیجه عکس خواهد داد و دشمنان جسورتر می‌شوند.

مصطفوی

* بین تیر خلاصی که اوباش کرج به پلیس کشور شلیک کردند با تیر خلاصی که داعشی‌ها به مدافعین حرم در عراق و سوریه می‌زدند، شباهت زیادی وجود داشت. صد البته جنایت داعشی‌های وطنی دردناک‌تر است.

کیایی

* بعضی افراد گفته‌اند نیلوفر حامدی و الهه محمدی را چون همکارشان بوده‌اند جاسوس نمی‌دانند. در سال‌های اول انقلاب هم حتی شهید رجایی نمی‌دانست کشمیری در نخست‌وزیری جاسوس است ولی بعد عامل بمب‌گذاری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر شد و از کشور فرار کرد. هیچ جاسوسی،جاسوس به دنیا نمی‌آید.

خالویی

* با عکسی که از نیلوفر حامدی روزنامه‌نگار روزنامه شرق در حال گذراندن دوره آموزش براندازی نرم آمریکایی منتشر شده مسئولان این روزنامه و خبرنگارانی که از این عنصر نفوذی دفاع کرده‌اند باید پاسخگو باشند.

حجتی

* آقای مولوی عبدالحمید خواستار رفراندوم در جمهوری اسلامی شده است. به ایشان بفرمایید یک‌بار دیگر حضور میلیونی مردم از سراسر کشور در مراسم ملی ۱۳ آبان امسال را از صفحه تلویزیون به تماشا بنشینند. نیازی به دوباره کاری نیست.

اعلایی

* عبدالحمید مولوی خط آشوب را از بیرون مرزها دریافت و در داخل استان پیگیری می‌کند و بلافاصله خطبه‌های تفرقه‌انگیز وی در شبکه سعودی اینترنشنال بازتاب داده می‌شود. چرا به این مسئله رسیدگی نمی‌شود؟

میرزایی

* برخلاف بعضی آدم‌های سطحی‌نگر و ضعیف که به آنها القا شده تسخیر لانه جاسوسی کار اشتباهی بوده معتقدم یکی از بهترین کارها در انقلاب اسلامی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران و شکستن هیمنه غرب و ابرقدرتی آمریکایی‌ها بوده است.

الله‌بخش

* حضور چشمگیر مردم از تمام اقشار در مراسم ۱۳ آبان امسال آن هم در سطح شهرها و روستاهای کشور یک برجستگی مهم داشت و آن زدن مهر ابطال بر اغتشاشات ساخته و پرداخته آمریکایی‌ها در این ایام بود.

صوفی‌زاده

* دهه هشتادی‌ها یعنی هم نسلان شهید آرمان عزیز با حضور چشمگیر خود در مراسم ۱۳ آبان امسال در سراسر کشور این روز ملی مبارزه با استکبار جهانی را به روز کردند و جان تازه‌ای به انقلاب اسلامی بخشیدند.

خداداد

* در پارک چیتگر تهران با صحنه یک کلاس درس در فضای باز مواجه شدم که بسیار خوشحالم کرد. معلم این کلاس،خانم معلمی بازنشسته است که آتش به اختیار هر روز کودکان کار و خیابان را در این پارک جمع می‌کند و به آنها درس می‌دهد. ما ایرانیان در هر شغل و منصبی که هستیم اگر عاشق کشورمان باشیم می‌توانیم کار خیر انجام بدهیم.

دانیال

* آنجلینا جولی بازیگر آمریکایی‌هالیوود در مورد مسائل سیاسی کشورش گفته به من ربطی ندارد ولی همین شخص مأموریت پیدا کرده برای مسائل سیاسی داخل کشورمان پست بگذارد و از این طریق کسب درآمد بکند. به هر حال زندگی خرج دارد.

خراسانی

* به نظر می‌رسد راه صحیح مواجهه با اراذل و اوباش اجاره‌ای و داعشی برخورد قاطع با محاربان است. خباثت این‌ها در مسدود کردن بزرگراه‌ها مثل کرج- قزوین و به صورت مسلح تیراندازی به سوی مردم و به شهادت رساندن و مجروح‌کردن نیروهای امنیتی و مردمی کمتر از جنایت در حرم حضرت شاهچراغ نیست. مماشات و مدارا دیگر کافی است.

مشایخی

* آموزش و پرورش به جای برخی محفوظات غیرضروری، اسناد لانه جاسوسی آمریکا را در کتب درسی بگنجاند تا دانش‌آموزان با واقعیت‌های بسیاری آشنا شوند.

دورتاج

* با توجه به عصر انفجار اطلاعات و فضای مجازی و پمپاژ شبهات و شک و تردید و... در جوانان، لازم است در طول هفته ساعتی از وقت دانش‌آموزان به پاسخ به این شبهات توسط کارشناس بابصیرت و ولایی اختصاص داده شود.

ترکاشوند

* از وزارت دفاع درخواست می‌شود در صورت امکان پهپادی را به نام «آرتین» پسر ملت ایران، که در حادثه تروریستی حرم شاهچراغ پدر، مادر و برادرش به شهادت رسیدند، نامگذاری نماید.

قنبریان